

چرا باید فارسی بخوانیم

عبدالله کوثری

هرچه بیشتر درباره برخی ترجمه‌ها و حتی بسیاری از آثار تألیفی تأمل می‌کنم درستی عقیده‌ای که از دیرباز داشته‌ام بر من روشن‌تر می‌شود و آن ضرورت مکالمه فارسی است. در اینجا روی سخن تنها با دانشجویان و بطور کلی جوانان دارم که سودای نویسندگی یا مترجمی در سر دارند و باید از هم اکنون برای این سفر دور و دراز و دشوار و البته جذاب و پرمآجر از ادراهی فراهم آرند. به تجربه دریافته‌ام که چه در ترجمه‌های چاپ شده و چه در ترجمه‌های دانشجویان بسیاری از مواردی که ضعف ترجمه شمرده می‌شود، در واقع ناشی از ندانستن زبان فارسی و خامدستی در استفاده از این زبان است. اگر مترجمی در برابر اندک پیچیدگی و دشواری در زبان مبدأ خود را می‌بازد و چنان متهور این زبان می‌شود که منطق و قواعد زبان فارسی را از یاد می‌برد و کلمات و جملاتی می‌نویسد که به هیچ روی فارسی شمرده نمی‌شود، اگر مترجمی در توصیف احوال و رفتار انسانی گرفتار کمبود واژگان می‌شود و گاه به جای یک واژه رسا و کارساز جمله‌ای طولانی و بی‌در و بیکر بر کاغذ می‌آورد، اگر مترجمی در توصیف صحنه‌های طبیعت و پدیده‌های طبیعی چندان بی‌ذوقی نشان می‌دهد که تعام تلاش نویسنده را نقش بر آب می‌کند و اگر مترجمی بسیار ایرادهای دیگر دارد، شاید اساسی‌ترین دلیل، گذشته از ذوق و استعداد نوشتن، نداشتن آشنایی ژرف با زبان فارسی است. این نکته را فراموش نکنیم که با همه تفاوتی که در فرهنگها و زبانهای گوناگون انسانی هست، از آنجا که این فرهنگها ساخته آدمیان اند، راه بردن به فرهنگ بیگانه برای اهل فرهنگ دیگر ناممکن نیست. اصولاً ترجمه از آن روی امکان‌پذیر شده که ما می‌توانیم، گاه به سادگی و گاه با تحمل دشواریهایی، مقصود و مراد اهل زبان و فرهنگ دیگر را دریابیم و این بدان معنا است که در مقابل بیشتر واژه‌ها و اصطلاحات آنها واژه‌ای و اصطلاحی داریم یا می‌توانیم بسازیم. بدیهی است که در متون علمی و فنی کار چندان آسان نخواهد بود، زیرا ما فارسی زبانان دیرگاهی است که نقشی در پیشبرد علوم و فنون نداشته‌ایم و بنابراین زبان ما از این حیث کمبودهای فراوان دارد. اما در متون ادبی مشکل ماندداشتن واژه و تنگی میدان زبان نیست. در متون ادبی ما مشکل دیگری داریم. در اینجا مترجم باید بداند بارانی سیل آسا را چگونه توصیف می‌کنند و برای نشان دادن بارانی نرم و سبک چه واژه‌ای به کار می‌برند، باید بداند برای انواع لبلبند که در حالات گوناگون بر لب می‌نشینند چه واژه‌هایی کارساز است، باید بداند برای شیوه‌های مختلف راه رفتن چه واژه‌هایی در فارسی داریم و در یک کلام باید بداند از امکانات این زبان که بسیار وسیع و متنوع است چگونه بهره می‌گیرند. و این جز با

مکالمه دقیق و مداوم زبان میسر نخواهد شد. برای روشن شدن مطلب چند نمونه از دو ترجمه که در شماره‌های گذشته مترجم بررسی شده (شماره‌های ۱۵ و ۲۰) می‌آورم که صرفاً به نارسایی زبان فارسی مربوط می‌شود و ربطی به دشواری جمله و کژ فهمی مترجم ندارد. در آن بررسیها توضیح کافی درباره این موارد آمده و در اینجا از توضیح چشم می‌پوشیم.

۱. مرد گفت شاید از مهمان نانواری ما تعجب کنید.

۲. بی آنکه منتظر جوابی بشود با اسب حرف زد و راهشان را از سر گرفتند

۳. نامه از این گفته‌ها و ول می‌زد.

۴. گفت: آه این هاشی

۵. گفت: "یارو پونصد دلار"

۶. پشت سر این حرف غیث زد.

۷. در حال، خشم و تمارش سبب شده بود

۸. به جهنم از این سنگ

چنان که می‌بینیم، هیچ یک از اینها جمله پیچیده نیست اما نیاز به آگاهی از دقایق زبان فارسی دارد که البته صرفاً با مطالعه متون به دست نمی‌آید. بسیاری از این نکات را باید از زبان محاوره آموخت. بنابراین مترجم باید گوشه تیز برای شنیدن نیز داشته باشد. اصولاً به گمان من مترجم از این حیث هیچ تفاوتی با نویسنده ندارد یعنی همان قدر که آشنایی با زبان کتابت و محاوره برای نویسنده ضروری است برای مترجم هم هست، زیرا مترجم نیز در نهایت نویسنده است. و این را نیز فراموش نکنیم که ما آثار نویسندگانی را ترجمه می‌کنیم که بیشتر آنها استادانی کم نظیر در زبان خود هستند.

اما آشنایی با زبان تنها دلیل تأکید من بر خواندن متون زبان فارسی نیست. من اعتقادی دیرینه دارم به این که نویسنده و مترجم باید آشنایی کامل با فرهنگ ملی خود داشته باشد. مابقی پشتوانه فرهنگ ملی آدمهایی نیمه کاره‌ایم، اگر چه فرهنگ دیگران را نیک بشناسیم و در آن صاحب نظر باشیم. بخشی از این فرهنگ را باید در متون نظم و نثر گذشتگان جستجو کرد. پس جوان امروزی ما با خواندن این متون نه تنها با زبان فارسی خود می‌گیرد، بلکه با بخشی از فرهنگ ایرانی و با تاریخ، عرفان، فلسفه و جهان بینی ایرانی و نیز با شیوه زندگی گذشتگان نیز آشنا می‌شود.

در اینجا از همه اهل قلم و صاحب نظران دعوت می‌کنم برای راهنمایی جوانان علاقه مند فهرستی نه چندان مفصل از بهترین و ضروری ترین متون نظم و نثر فارسی برای درج در شماره‌های آینده مترجم ارسال کنند. شاید که این نخستین گام باشد در تشویق ایشان به مطالعه و انس یافتن با زبان و فرهنگ این مرز و بوم.